موضوع: بررسی نظریه مسیر پیامبری

تحلیل مفهوم نبوت و پیامبری

در گفتار قبل درباره حقیقت و چیستی نبوت بحث شد و گفته شد: اگر مفهوم نبوت و پیامبری را به درستی تحلیل کنیم به این نتیجه می رسیم که پیامبری آن است که خداوند افرادی که از شایستگی لازم برخوردار هستند را برگزیده و مبعوث نموده و به آنها ماموریت داده است تا پیام های الهی را به بشر برسانند و برای تحقق یافتن آن پیامها تلاش ها و کوشش های لازم را مبذول دارند. نکته دیگر اینکه مفاهیم دیگری نیز وجود دارد که نسبتشان با مفهوم نبوت، عام و خاص است مانند رهبری و زعامت، اما هیچکدام آن معنای پیامبری را ندارد.

نکته دیگری که بیان شد این بود که یک راه برای کشف حقیقت پیامبری و نبوت این است که به کسانی که بالاتفاق دارای این مقام بودند رجوع کنیم و تعریف آنها را از حقیقت نبوت بیابیم، زیرا آنان نسبت به این مقام دارای تجربه و دانا تر هستند. اکنون اگر اینان نبوت را برگزیده شدن از سوی خداوند بداند، نظر آنان نسبت به کسانی که از بیرون به این مساله نگاه می کنند معتبر تر است. در قرآن کریم (فارغ از اینکه وحی الهی است بلکه کلامی است که از سوی پیامبر بیان شده است)، سخن از برگزیده شدن از سوی خداوند آمده است.

این شواهد و دلایل گویای آن است که معنا و حقیقت نبوت همان معنای رایج میان پیروان ادیان مختلف است.

اشکال

ممکن است اشکال شود که استناد به سخنی کسی که تجربه پیامبری داشته اما به عصمت او اعتقاد نداشته باشیم، قابل پذیرش نیست زیرا چه بسا او این ادعای برگزیده شدن را از باب مصلحت اندیشی بیان کرده باشد.

جواب

این اشکال وارد نیست زیرا مساله از دو حال خارج نیست: یا این شخص در این ادعا خود ناآگاه است و گمان و تخیل او باعث شده خود را برگزیده خداوند بداند و یا آگاهانه است اما از روی مصلحت اینگونه بیان کرده است. فرض اول قطعا باطل است زیرا کسی که دچار تخیل باشد از شایستگی اینکه در جایگاه پیامبری قرار گرفته و شئون مختلف زندگی بشر را هدایت کند ندارد؛ نه عقلای بشر این را می پذیرند و نه دین آن را قبول می کند. فرض دوم نیز درست نیست زیرا از ارکان هدایت و خیراندیشی، صدق و راستگویی است. کسی که می خواهد جامعه بشری را در زمینه های مختلف هدایت کند و آنها را به صلاح و نجاح سوق دهد خود باید واجد این ویژگی باشد. انسانی که دچار این رزیله اخلاقی است، هر چند با عنوان مصلحت اندیشی باشد اما نمی تواند مردم و جامعه را در راستای تعالی و تکامل سوق دهد. در قرآن کریم نیز این مطلب به شدت تخطئه و رد شده و از آن با عنوان گناه بزرگ یاد شده است.

نتیجه واکاوی مفهوم نبوت

تا اینجا روشن شد که واکاوی مفهوم نبوت ما را به این نتیجه رهنمون می شود که پیامبر برگزیده الهی است و ادعای اینکه پیامبری گزینش الهی نیست نادرست است. بله کسی به مقام نبوت می رسد که ابتدا زمینه لازم را خود ایجاد کرده باشد اما این غیر از برگزیدگی الهی است. قرآن کریم از یک قانون الهی در این باره یاد می کند و می فرماید: «وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَكَ عَسى‏ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقاماً مَحْمُودا»[[1]](#footnote-1). این آیه بیان گر این قانون است که رسیدن به مقامات بالا، متوقف بر تهذیب نفس و عبادت و تلاش فراوان است.

در ادبیات عرفانی پیامبر چند سیر معنوی را طی می کند: یک سیر معنوی از خلق به حق دارد و بعد سیری از حق در حق انجام می دهد و در نهایت سفر او از حق به سوی خلق صورت می گیرد. آنچه پیامبر در این سیر گزینش می کند، تحقق قابلیت خود است اما این تمام کار نیست و اصل نبوت از برگزیدن فعل الهی آغاز می شود. اشتباه نویسنده مسیر پیامبری همین است که این دو گزینش را در مقابل هم قرار داده است در حالی که این دو با هم هستند. انسان خدا را برمی گزیند (و این اختصاصی به پیامبر ندارد بلکه همه انسان های خدا جو، این گزینش را دارند) و بعد یک عده از آنها به عنوان پیامبر از سوی الهی گزینش می شوند.

بنابراین نبوت و پیامبری مصطلح که با شریعت و بایدها و نبایدهای الهی همراه است، مجموعه ای از دو گزینش است: گزینش انسان نسبت به خداوند که مقدمه و در راستای فراهم شدن قابلیت است و گزینش خداوند نسبت به انسان.

اکنون سوالی که مطرح می شود این است که آیا این گزینش از سوی خداوند ضرورت دارد یا نه و اگر دارد آیا باید فراگیر باشد یا نه؟ انشاءالله این بحث در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره اسرا، آیه 79 [↑](#footnote-ref-1)